

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده بحث گذشته

عرض کردیم که ظاهراً مراد از «وفا» در آیه شریفه «**أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**»، «وفای به مقتضای عقد» است. در هر عقدی باید هر مقتضایی که دارد، به آن عمل کرد. اگر مقتضای يك عقدی عبارت از تسلیم و تسلّم باشد، معنای «**أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**»؛ همین تسلیم و تسلّم و لزوم به اینهاست. و این معنای مشهور که در کلمات علماست، که مراد از «وفای به عقد»، «عدم فسخ العقد» است، اینطور نیست. اگر کسی عقد را فسخ نکند و تسلیم و تسلّم عوضین را انجام ندهد، اینجا وفای به عقد نکرده است. در این آیه شریفه؛ راجع به اینکه مراد از «وفا» و نیز مراد از «عقود» چیست، بین مفسرین و نیز در کلمات فقهاء زیاد بحث واقع شده است و انظار مختلفی وجود دارد.

فرمایش محقق نراقی(ره)

محقق نراقی(ره) در کتاب عوائد در مقام ذکر احتمالات در این آیه شریفه و اینکه کدام قول را باید اختیار کرد، در چند صفحه مطالبی را بیان کرده‌اند، که به آن اشاره می‌کنم تا ببینیم مراد از آیه «**أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**» چیست؟ نظیر همان کاری که در آیه «**لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ**» انجام دادیم و گفتیم به این آیه هم در اصل صحت معاطات، و هم در این که معاطات مفید لزوم است استدلال کرده‌اند، در مورد «**أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**» هم مسئله همینطور است؛ که هم برخی در اصل صحت معاطات به آن استدلال کرده‌اند و هم برای لزوم معاطات به آن استدلال کرده‌اند. ما باید بحث از این آیه شریفه را از نظر این که «آیا دلالت بر صحت معاطات دارد یا ندارد» و «آیا دلالت بر لزوم معاطات دارد یا ندارد» یکجا بحث کنیم، که دیگر بعداً در بحث لزوم، مجدداً این آیه و احتمالات آن را تکرار نکنیم.

– اساساً در بحث معاملات یکی از کارهای خیلی خوب و مهم این است که این آیات شریفه را که در ابواب متعدد از معاملات بطور کلی در فروع متعدد به آن استدلال می‌شود، اینها را یکجا بحث کنند. در هر جا که «**أَحَلَّ اللَّهُ التِّبْنَ**» مورد استدلال واقع می‌شود، یکجا در مورد آن بحث کنند، نه اینکه در یکجا يك مقدار آن را و در جای دیگر، مقدار دیگری را بگویند. – علی‌آی حال؛ ما هم در همین آیه «**أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**» إن شاء الله همین روش را دنبال می‌کنیم تا ببینیم آیا از این آیه، می‌توان برای لزوم معاطات هم استفاده کرد یا خیر؟

احتمالات در مراد از «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»

در اینکه مراد از «أَوْفُوا» (امر به وفا) چیست؟ يك نکته‌ی بین تمام مفسرین مورد اتفاق است و آن اینکه «وفا» و «إيفا» يك معنا دارد (که در جلسه قبل عرض شد)؛ بین «وفي بالعقد» یا «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»، از این جهت فرقی وجود ندارد. پس مراد از «وفا» و «ایفا» چیست؟ پنج احتمال در اینجا وجود دارد. احتمال اول: اینکه «ایفا» علاوه بر اینکه دلالت بر صحت عقد دارد، دلالت بر لزوم عقد هم دارد. «ایفاء به عقد» به همان معنایی است که محقق اصفهانی (ره) بیان کردند. شاید اکثر هم همینطور معنا کرده‌اند؛ ایفا یعنی «إبقاء العقد»، انسان عقد را نگهدارد و از بین نبرد، مگر این که چیزی که رافع ظهورش باشد محقق شود، اما بدون اینکه يك رافع شرعی در کار باشد «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» می‌گوید عقد را ایفاء کن.

برخی از فقهاء، مثل محقق ثانی (ره) در کتاب جامع المقاصد (ج 8، ص 326) و شهید (ره) در کتاب روضة، اینطور معنا کرده‌اند و کسانی که ایفاء را بمعنای «إبقاء» معنا کرده‌اند نیز همین نظریه را دارند. احتمال دوم: اینکه گفته‌اند مراد از «ایفاء به عقد»، عمل به مقتضای عقد است مادامی که عقد باقی است. یعنی مادامی که عقد باقی است وفای به عقد کن. بنابر این؛ اگر اینطور معنا کردیم این وفای به عقد، هم در عقود لازم می‌آید و هم در عقود جایز. در عقود لازمه می‌گوییم مادامی که این عقد باقی است، اگر این عقد به هم نخورد به مقتضای عقد وفا کن.

در عقد جایز هم مثل عقد شرکت و عقد مضاربه، وفای به عقد یعنی عمل به مقتضای عقد مادام کون العقد باقیاً. برخی از علماء ایفاء را اینگونه معنا کرده‌اند، از قبیل مرحوم علامه (ره) در کتاب مختلف، فاضل مقداد (ره) در کنز العرفان (ج 2، ص 71)، مقدس اردبیلی (ره) در مجمع الفائده و البرهان (ج 1، ص 172) و مرحوم محدث بحرانی (رض) در کتاب الحقائق الناضرة (ج 22، ص 159). احتمال سوم: همین معنایی است که در کلمات امام (رض) بود که دیگر این قید را ندارد، بگوییم وفای به عقد؛ یعنی «عمل به مقتضای عقد»، اما دیگر مقید به «مادام کون العقد باقیاً» نیست و اصلاً کاری به این جهت ندارد. می‌گوید به عقد وفا کن، به مقتضای عقد عمل کن، اگر مقتضای آن، تسلیم عوضین است، تسلیم کن، کاری نداریم به اینکه آیا این عقد باقی است یا باقی نیست.

معنای اول که گفتیم محقق ثانی (ره) و شاید مشهور هم اینطور معنا کرده‌اند، این بود که «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» یعنی این عقد را نگهدار و نباید از بین برود. در معنای اول کاری به مقتضای عقد نداریم. اصلاً در معنای اول که می‌گوییم «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»، معنایش «إبقاء العقد الموجود» است، یعنی عقد را بهم نزن، عقد را از بین نبر، یعنی فسخش نکن. اصلاً کاری به مقتضای آن نداریم. اما در معنای دوم و سوم بحث در این است که «متعلق وفای به عقد» چیست؟ مقتضای عقد است، می‌گوییم عقد بیع اقتضای تسلیم و تسلّم را دارد، عقد اجاره اقتضا دارد که مستأجر از این خانه استفاده کند، متعلق وفا؛ مقتضای عقد است.

در معنای دوم می‌گوییم به مقتضای عقد عمل کن مادام کون العقد باقیاً، که این «مادام کون العقد باقیاً» برای این است که عقود جایز را هم داخل کند، یعنی هم در عقود لازم و هم در عقود جایز مادامی که عقد بر قرار است تو باید به مقتضای آن عمل کنی.

اما در معنای سوم این قید را نداریم. در معنای سوم می‌گوییم تو همیشه باید به مقتضای عقد عمل کنی، لازمه این که همیشه باید به مقتضای عقد عمل کنی، لزوم است و دیگر شامل عقود جایز نمی‌شود.

احتمال چهارم: (که شاید این معنا به همین معنای قبلی برگردد و لو محقق نراقی (ره) جدا کرده است) محقق نراقی (ره) فرموده «وجوب اعتقاد لزوم لازم و جواز جایز». «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» یعنی اگر عقد لازم است، شما معتقد به لزومش باشید، و اگر عقد جایز است، معتقد به جوازش باشید. این با آنجایی که بگوییم «مادام کون العقد باقیاً» خیلی فرق جوهری ندارد. آنجا هم معنایش

این است که اگر لازم بود بر طبق مقتضایش عمل کن، و اگر جایز بود بر طبق مقتضایش عمل کن. محقق نراقی (ره) این معنا را از مرحوم میرزای قمی (ره) در کتاب غنائم الایام نقل می‌کند. پس این معنا به معنای دوم برمی‌گردد.

احتمال پنجم: آخرین احتمال (البته محقق نراقی (ره) چهار معنا ذکر کرده، ما آن قول امام (ره) را که اضافه کردیم، پنج احتمال می‌شود) این است که در «**أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**» این امر را «**على الرخصة ونفى الحظر**» حمل کنیم. یعنی تو می‌توانی عقد را ادامه دهی. یعنی «**أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**» در مقام دفع يك توهمی است، که متوهم فکر می‌کند اگر با کسی عقدی بست، شاید نباید به آن عمل کند. آیه می‌فرماید نه، می‌توانی عمل کنی. که این احتمال هم خیلی بعید است.

خلاصه احتمالات پس مجموعاً پنج احتمال در اینجا داده شده؛

احتمال اول: «إبقاء العقد الموجود» است، که گفتیم إبقاء یعنی عدم الفسخ.

احتمال دوم: «العمل بمقتضى العقد». در معنای اول کاری به مقتضا نداریم، بلکه شارع می‌گوید اگر يك عقدی را خواندی، این عقد را نگهدار. در احتمال دوم می‌گوییم به مقتضای عقد عمل کن، منتها «**مادام كون العقد باقيا**»، که هم عقد لازم را می‌گیرد و هم عقد جایز را.

احتمال سوم: «العمل بمقتضى العقد»، که قید ندارد. اگر قید نداشت، يك جایی شارع گفت اگر يك عقدی بستی به مقتضای این عقد عمل کن، یعنی تسلیم و تسلّم را انجام بده، و این هم اطلاق دارد. یعنی اینطور نیست که تو امروز تسلیم و تسلّم را انجام بده و فردا برو پس بگیر، بلکه اطلاقش اقتضای لزوم دارد.

احتمال چهارم (که گفتیم به معنای دوم برمی‌گردد): «**وجوب اعتقاد لزوم اللازم و جواز الجائز**». یعنی آیه نمی‌گوید که عقد، لازم است یا جایز، بلکه آیه می‌گوید اگر در خارج بگویند این عقد لازم است، تو معتقد به لزومش باش، و اگر می‌دانید جایز است، معتقد به جوازش باش.

احتمال پنجم: «رخصت و نفی حظر» است.

بررسی احتمالات و نظر استاد در مراد از «أوفوا»

و اما کدام احتمال صحیح است و می‌توان انتخاب کرد؟ در جلسه قبل عرض کردیم که معنای محقق اصفهانی (ره) درست نیست. چون «**أوفوا**»، بمعنای «**إبقاء**» نیست. اگر از نظر لغوی بین «**إيفا**» و «**وفا**» فرق بود، این کلام اصفهانی (ره) درست است. ما می‌گوییم بین «**وفي بالعقد**» یا «**أوفى بالعقد**» فرقی وجود ندارد. وقتی فرقی وجود نداشت، در جایی که شما می‌گویید به عقد وفا کرد، آیا در آنجا کسی می‌گوید عقد را إبقاء کرد؟ در «**أوفوا**» هم همینطور است. لذا این معنای مرحوم اصفهانی (ره) که بخواهیم از آن لزوم هر عقدی را استفاده کنیم صحیح نیست.

ما طبق این معنای اول است می‌توانیم استفاده کنیم هر عقدی از هر کسی در هر جایی صادر شد، تو باید این عقد را إبقاء کنی؛ یعنی حق فسخ کردن نداری. بنابراین؛ اگر این معنا را قبول نکردیم، نتیجه‌اش این است که این آیه دلالت بر لزوم ندارد. بله، از معنای إبقاء، صحت فهمیده می‌شود، ولی برای خود معنای إبقاء دلیلی نداریم. عمده معنا؛ مردد بین معنای دوم و سوم است. آیا مراد «وفا به مقتضای عقد مادام العقد باقيا» است؟ یا مراد «وفا به خود عقد» است و کاری به اینکه عقد باقی باشد یا نباشد نداریم؛ یعنی نسبت به او نظری نیست نه اینکه بگوییم نسبت به او اطلاق است.

اگر گفتیم مراد؛ «وفا به مقتضای عقد مادام کون العقد باقی» است، عقود جایز مثل عقد شرکت و عقد مضاربه را هم می‌گیرد. به نظر می‌رسد این بیان، بیان درستی نیست. در کجای «[أَوْفُوا بِالْعُقُودِ](#)» می‌گوید «مادام کون العقد باقی»، تا بخواهد عقود جایز را هم شامل شود؟ می‌گوید عمل به مقتضای عقد بما هو عقد جایز است. آیه همین مقدار را می‌گوید، و هیچ قید «مادام کون العقد باقی» را نداریم. در نتیجه معنای سوم تعیین پیدا می‌کند و می‌گوییم معنای آیه «[أَوْفُوا بِالْعُقُودِ](#)» یعنی «العمل بمقتضی العقد».

مراد از «عقود»

تا اینجا مقصود از «وجوب وفای به عقد» روشن شد. حالا نکته مهم این است که؛ مراد از «عقود» چیست؟ در اینجا نیز در تفاسیر که گفته‌اند «العقد هو العهد المشدد»، این عهد مشدد چیست؟ در آن احتمالات متعددی وجود دارد.

فرمایش محقق نراقی (ره) در احتمالات در «عقود»

نکته‌ای که محقق نراقی (ره) در اینجا فرموده این است که فقهاء در استدلال به این آیه چند گروه هستند.

گروه اول: «تارك للاستدلال بالایة اصلاً»، اصلاً به این آیه استدلال نکرده‌اند و گفته‌اند آیه اجمال دارد.

گروه دوم: برای این عقود يك معنای وسیعی گرفته‌اند؛ هر چیزی که لغتاً یا شرعاً یا عرفاً عنوان عقد را دارد، در آن «[أَوْفُوا بِالْعُقُودِ](#)» را جاری کرده‌اند. مثل مرحوم ابن ادریس حلی (ره) در سرائر و مرحوم طباطبایی (ره) در مفاتیح الاصول.

گروه سوم: برخی گفته‌اند مراد از «[أَوْفُوا بِالْعُقُودِ](#)»؛ «عقود متداول فقهی شرعی» است. در نتیجه گفته‌اند فقط شامل همین عقود می‌شود که در زمان شارع بوده؛ مثل بیع، اجاره، صلح، رهن، قرض، وصیت. لذا اگر يك عقد جدیدی بنام «عقد بیمه» آمد، دیگر مشمول «[أَوْفُوا بِالْعُقُودِ](#)» نیست.

آنگاه می‌گوییم ما که می‌دانیم «عقود متداول شرعی» درست است و باید به آن وفا کرد، پس شارع برای چه می‌فرماید «[أَوْفُوا بِالْعُقُودِ](#)»؟ می‌گویند اگر شك کنید در شرطیت يك شرطی یا جزئیت يك جزئی برای یکی از این عقود، مثل اینکه آیا بیع جز عقود هست یا نه، یا آیا عربی بودن هم خصوصیت دارد یا نه؟ «[أَوْفُوا بِالْعُقُودِ](#)» شاملش می‌شود.

گروه چهارم: گفته‌اند «عقود»؛ «عقود متداول شرعی» را می‌گیرد، سائر عهود را هم می‌گیرد. یعنی آن عهدهایی که بین خدا و بندگان هست، که خدا با عبادش عهد بسته که به خودش و کتبش و رسلش و اوصیانش ایمان بیاورند. و نیز عهد کرده که بندگان از او اطاعت کنند، واجبات را انجام دهند، محرمات را ترك کنند، فرایض را انجام دهند. «[أَوْفُوا بِالْعُقُودِ](#)» تمام اینها را شامل می‌شود.

گروه پنجم: گفته‌اند اصلاً کاری به عقود متداوله شرعیه ندارد، بلکه «[أَوْفُوا بِالْعُقُودِ](#)» یعنی عقودی که بین مردم متداول است، می‌خواهد شرعی باشد یا شرعی نباشد. کاری به عهدی که خدا با بنده بسته هم ندارد، یعنی طبق این معنا، واجبات و محرمات را نمی‌گیرد. «[أَوْفُوا بِالْعُقُودِ](#)»؛ یعنی عقودی که «یتعاقدہ الناس بعضهم مع بعض».

پس در خود «عقود» هم پنج احتمال وجود دارد. حالا از این که بگذریم، کسانی که عقد را به «عهد مشدد» تفسیر کرده‌اند،

بعضی از آنها می‌گویند مراد از این عهد؛ «مطلق العهد» است، و بعضی می‌گویند «عهد امیر المؤمنین (ع)» است و بعضی می‌گویند «عهد جاهلیت» است.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.